



عکس: ایستا

معاون آموزشی وزیر علوم در گفت و گو با «ایران» از رویکرد جدید این وزارتخانه خبر داد

## پایان کمیت گرایی در توسعه دانشگاه ها

هدی هاشمی  
خبرنگار

چند سالی است که مسئولان وزارت علوم عزم خود را جزم کردند تا مراکز آموزش عالی را ساماندهی کنند. آنها که خود را وارث رشد بی رویه آموزش عالی می دانستند برای سرو سامان دادن به کیفیت دانشگاه ها برنامه ها نوشتند و طرح ها ارائه کردند. یکی از برنامه های جدی مسئولان آموزشی ساماندهی دانشگاه های آموزش عالی بود. به این معنی که مراکز آموزش عالی کشور باید همگی در ذیل یک برنامه مشخص فعالیت کنند، مسئولان آموزشی خواستند، وضعیتی که در دولت قبل بوجود آمد را مهار کنند، مجوزها راحت کنترل در آورند، تا بتوانند رشد بی رویه مراکز آموزش عالی را مهار کنند و البته به ارتقای کیفی دانشگاه ها دست پیدا کنند. موضوعی که مجتبی شریعتی نیاسری معاون آموزشی وزیر علوم هم بر آن تأکید می کند و بر این باور است: باید تلاش کنیم تا کیفیت دانشگاه ها بالا ببریم، و به تعداد مراکز آموزش عالی در سال ۹۲ اشاره می کند و تأکید دارد: «سال ۹۲ وزارت علوم ۲ هزار و ۸۵۰ مرکز آموزش عالی داشت که ما این تعداد را به ۲ هزار ۲۰۰ مرکز رساندیم. یکی از اقدامات اصلی ما موضوع ساماندهی مؤسسات است که یکی از بندهای طرح آمایش است. ما مانعی برای افزایش مراکز آموزش عالی نداریم اما بر این باوریم که استانداردهای لازم را باید داشته باشند. اعتقاد داریم که اگر هر گوشه ای از کشور یک دانشگاه تهران، شریف، امیرکبیر داشته باشیم این برای وزارت علوم یک افتخار است. اما اگر این مراکز آموزش عالی استاندارد نداشته باشند یک افت بسیار بدی است.»

■ شما اشاره کردید در شرایط امروز حدود ۲ هزار و ۲۰۰ مرکز آموزشی در کشور داریم. از این تعداد چقدر از مراکز، استانداردهای آموزش عالی را دارند؟

این عدد ترکیبی است از مراکزی که در زیر نظام های مختلف فعالیت دارند. ما ۱۴۳ دانشگاه دولتی داریم که پذیرش دانشجوی روزانه دارند. همچنین نزدیک به ۳۵۳ مؤسسه غیرانتفاعی در کشور داریم که البته امروز به کمتر از ۳۰۰ مورد کاهش یافته است. اینها اغلب در سطح استانی و محلی عمل می کنند. برخی دیگر از دانشگاه های ما هم در سطح ملی عمل می کنند و شعب زیادی دارند مانند دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی کاربردی، فنی و حرفه ای و فرهنگیان همچنین مراکز وابسته به جهاد دانشگاهی که در سطح کشور پراکنده هستند. همچنین برخی از مراکز آموزشی هم مربوط به واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی هستند. با احتساب مجموع این مراکز می توان با تخمین چنین گفت که حدود ۵۰ درصد از مراکز دولتی و حدود ۷۰ درصد از مراکز غیردولتی با استانداردها

زیرنظام- را فراهم کرد. برنامه ساماندهی ما هم در همین راستاست. وزارت علوم موظف است با استناد به مفاد ماده ۳ طرح آمایش، ساماندهی مؤسسات را پیگیری کند. این موضوع البته مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هست. باور ما این است که هیچ راهی جز ساماندهی برای ارتقای آموزش عالی نداریم. برای رسیدن به این هدف هم از دوسال پیش بحث ساماندهی را طراحی و دنبال کردیم و طرح آن در آستانه تصویب نهایی است. انتظار داریم در سال ۹۸ اجرایی شود.

■ شما بحث ساماندهی را مطرح کردید. در ساماندهی می خواهید همه مراکز را جمع کنید. این استقلال واحد را زیر سؤال نمی برد و موجب نمی شود که موجودیت و فعالیت آنها کاهش پیدا کند؟

اجازه بدهید موضوع را بیشتر باز کنم. در حال حاضر هر یک از مراکز آموزش عالی به تنهایی با بخش های مختلف وزارت ارتباط می گیرند و مطالبات خود را مطرح می کنند. این در شرایطی است که غالباً از استانداردهای لازم برای اجابت درخواست هایشان برخوردار نیستند. لذا وزارت را هم به دلیل داشتن استانداردها و این سیاست، بدین معنی نیست که اگر یکی از واحدهای غیردولتی بخواهد خودش را ارتقا دهد، ما جلوی فعالیتش را بگیریم. راهکاری که دنبال می کنیم این است که می خواهیم به سمت ایجاد فضای هم افرا، بین دانشگاه ها برویم تا این مراکز بتوانند از ظرفیت ها و امکانات یکدیگر استفاده کنند. باید بستر قانونی آن فراهم شود. نمی توان به آسانی گفت که مثلاً دانشجوی یک مرکز از سالن تربیت بدنی دانشگاه دیگر استفاده کند یا مؤسساتی از آزمایشگاه دانشگاه دیگری استفاده کنند. هر دانشگاهی حوزه استحفاظی خودش را دارد و می خواهد حریم خودش را حفظ کند. لذا باید ضوابط قانونی استفاده مشترک از امکانات یکدیگر- لاقلاً در یک

جداگانه به فعالیت ادامه می دادند، قطعاً اقتدار فعلی را نداشتند. مراکز این دانشگاه هم بعضاً به یکدیگر نزدیک نیستند. دانشگاه تهران هم اینگونه است. چندین پردیس در شهرهای مختلف دارد که در ذیل دانشگاه تهران فعالیت می کنند. اگر واحد کیش، قم، قومن، رضوانشهر، ارس و... جملگی ذیل نام پرآوازه دانشگاه تهران فعالیت می کنند، طبعاً تصمیم گیری ستاد نیز سهل تر و بانگه بر نظام مدیریتی یکپارچه دانشگاه صورت می گیرد.

■ این استانداردها درباره دانشگاه آزاد هم صدق می کند؟

درباره استانداردهای آموزشی، یکسان برخورد می کنیم. اما در بحث ساماندهی در واحدهای دانشگاه آزاد، اجرای این مدل کمی متفاوت است. دانشگاه آزاد بخش غیردولتی و البته مورد حمایت ماست و به نوعی سرمایه ملی محسوب می شود. فعلاً در بحث ساماندهی اولویت و تمرکز ما بیشتر بر دانشگاه های دولتی است چون دولتی ها بیشتر، سربار دولت هستند. ضمن اینکه دانشگاه آزاد هم برنامه خود را برای کوچک سازی و حذف واحدهای بی کیفیت، با رویکرد هزینه فایده و با تکیه بر مفاد طرح آمایش آموزش عالی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی دنبال می کند که یقیناً با وزارت عتف نیز هماهنگ خواهند بود.

■ اما این دانشگاه های غیردولتی هستند که کیفیت و استاندارد لازم را ندارند و دستگاهی فقط برای صدور مدرک شده اند؟

نه اینگونه نیست. بی کیفیتی اصلاً منحصر به غیردولتی ها نیست. این موضوع در افکار عمومی مطرح شده و غلط است. در همه زیر نظام ها اعم از دولتی یا غیر دولتی، مصادیق ضعف کیفی و نیز مصادیق با کیفیت مشاهده می شود. در هر حال به دلیل آنکه دانشگاه دولتی از بودجه عمومی استفاده می کند، اجرای ساماندهی در این دانشگاه ها از اولویت برخوردار است. ضمن اینکه آقای رئیس جمهوری هم در این خصوص تأکید داشته اند. با این حال، اصل طرح شامل همه زیر نظام های آموزش می شود. فقط اولویت زمانی آن و شکل ساماندهی متفاوت خواهد بود. البته برای غیرانتفاعی ها طرح جمعیت مراکز غیردولتی را به عنوان یک برنامه پیشنهادی ارائه کردیم که خودشان داوطلبانه برای ارتقای کیفیت آموزشی اقدام کنند. جالب این است که استقبال هم کرده اند. دلیلش هم این است که اینها از جیب خودشان خرج می کنند و لذا هر راهی که اقتصادی تر باشد را انتخاب می کنند. این مطلب، قابل درک است که در عرصه رقابت واحدهای کوچک نمی توانند با واحدهای بزرگ رقابت کنند، اما اگر همین واحد کوچک با واحد بزرگ ادغام شود می تواند حرف هایی برای گفتن داشته باشد و در رقابت ها توفیقاتی به دست آورد. به این سؤال باید توجه کنیم

که چرا دانشجویی که به صورت روزانه در یک واحد دولتی کمتر شناخته شده پذیرفته شده، حاضر است هزینه کند و با انصراف از آن واحد، وارد دوره شبانه یک دانشگاه بزرگتر که بیشتر مثالی می زنم. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، یک دانشگاه مطرح کشور که با مرکز چقدر فاصله داشته باشد. اعتبار، امکانات قابل دسترس و اشتهار سازمان محل تحصیل برای جوانان ما و آینده شغلی آنها مهم است.

■ این مراکز باید نزدیک به هم باشند؟ خیر. هیچ کدام از این مراکز لزوماً محدود به مؤلفه مکانی و گستره جغرافیایی مشخصی نیستند. نزدیکی مراکز به هم می تواند مفید باشد ولی خیلی تأثیرگذار نیست. برای اینکه این موضوع قابل درک باشد مثالی می زنم. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، یک دانشگاه مطرح کشور که با مرکز چقدر فاصله داشته باشد. اعتبار، امکانات قابل دسترس و اشتهار سازمان محل تحصیل برای جوانان ما و آینده شغلی آنها مهم است.

■ درباره ساماندهی دانشگاه ها خبرهای غربررسمی رسیده که برخی از نمایندگان مجلس مقاومت می کنند و اجازه این کار را نمی دهند. حتی گفته شده می خواستند



دانشگاه های ما باید برنامه محور عمل کنند و روی ریل مأموریتی خود پیش روند تا بتوانند موفق شوند. در گذشته روی رشد کمی دانشگاه ها خوب کار شده اما در بحث کیفی، نظارت کافی و توجه به مأموریت گرایی خیلی مد نظر قرار نگرفته است. همین موجب شده تا خیلی از دانشگاه ها از ریل خود خارج شوند

«

و به عنوان یکی از مباحث کلیدی دنبال می شود. تشکیل کارگروه های تخصصی برنامه ریزی درسی در سطح کشور برای بازنگری و بازساماندهی سرفصل ها و برنامه های درسی نیز کمک کننده خواهد بود. در واقع بخشی از ساماندهی معطوف به رشته ها خواهد بود.

■ مهم ترین سیاست های کلانی که از سوی معاونت آموزشی در وزارت علوم دنبال می شود چیست؟

افزون بر مأموریت گرا کردن دانشگاه ها که مورد تأکید قرار گرفت، سوق دادن مراکز آموزش عالی به سمت دانشگاه جامعه محور، کارآفرین و خلاق، بازنگری و ارتقای کیفی برنامه های آموزشی و درسی، توسعه آموزش های مهارتی در دانشگاه ها و نیز توسعه همکاری های بین المللی و تحقق طرح های اقتصاد مقاومتی از جمله ارتقای حداقل ۵ دانشگاه و ۵ واحد پژوهشی برتر به تراز بین المللی از جمله سیاست ها و برنامه هایی است که دنبال می شود. مضافاً اینکه یکی از برنامه های ما گسترش دامنه تفویض اختیار به دانشگاه هایی است که ما باید برنامه محور عمل کنند و روی ریل مأموریتی خود پیش روند تا بتوانند موفق شوند. در گذشته روی رشد کمی دانشگاه ها خوب کار شده اما در بحث کیفی، نظارت کافی و توجه به مأموریت گرایی خیلی مد نظر قرار نگرفته است. همین موجب شده تا خیلی از دانشگاه ها از ریل خود خارج شوند.

■ در ارتباط با دانشگاه آزاد مطرح می شود که وزارت علوم بعد از آیت الله هاشمی نمی تواند و البته موافقان دانشگاه آزاد می گویند این دانشگاه کیفیت های لازم را دارد اما وزارت علوم، سیاسی برخورد می کند. برخی دیگر هم می گویند با آمدن آقای ولایتی دیگر وزارت علوم نمی تواند خواسته های خود را اجرایی کند؟

نه اصلاً چنین نیست. از نظر ما تفاوتی در دوره مرحوم هاشمی با دوره آقای ولایتی نیست. سیاست وزارت علوم به صورت یکپارچه، منسجم و متمرکز روی استانداردها در همه زیر نظام ها تأکید دارد و بودن این و آن، در برنامه های راهبردی وزارت تأثیری ندارد.

موضوع را در مجلس مطرح کنند. شما با

مقاومت های اینجینی بر خورد کردید؟

برداشت من این است که نمایندگان محترم مجلس اینقدر فهیم و آگاه هستند که اگر ثمرات برنامه ساماندهی و خروجی این برنامه برایشان تبیین شود، حتماً در تحقق آن رقابت خواهند کرد. اما این واقعیت باید به خوبی مطرح شود که در این برنامه هیچ مرکزی قرار نیست تعطیل یا فعالیت آن متوقف شود بلکه به عکس ارتقای سطح فعالیت در مأموریت مؤسسه را در پی خواهد داشت.

■ اگر دانشگاهی بگوید من نمی خواهم با دانشگاه دیگری ادغام شوم، آن وقت تکلیف آن دانشگاه چیست؟

مشکلی ندارد اما قطعاً فعالیت آن محدود به یک مأموریت معین و متناسب با ظرفیت ها و امکانات مستقلی که دارد خواهد شد. ■ یکی از انتقاداتی که به دانشگاه ها می شود این است که برخی از دانشگاه ها با باید مأموریت گرا باشند و یک هدف را پیش ببرند اما هم اکنون این اتفاق در بسیاری از دانشگاه ها نمی افتد و آنها هر کدام می خواهند همه رشته ها را با هم داشته باشند. برای مأموریت گرا کردن دانشگاه ها برنامه های

اتفاقاً روش دیگر ساماندهی که به همین موضوع برمی گردد، مدل تبدیلی است. در این مدل مأموریت محوری یک مرکز آموزش عالی متناسب ظرفیت های درون سازمانی و نیاز جامعه با تعریف می شود و در صورت لزوم به مأموریت دیگری تبدیل می شود. در این مدل اگر مرکزی می خواهد ادامه فعالیت دهد، باید در یک حوزه ویژه فعالیت کند. مثلاً پیشنهاد می شود که مرکزی که در حوزه کشاورزی یا فنی مهندسی فعالیت می کند، انرژی و توانش را صرف رشته های دیگر نکند. در این مدل تمرکز بر مأموریت مراکز آموزشی نیروها کاسته خواهد شد.

■ در این ساماندهی آیا به بازار کار هم توجه می کنید؟

مهارت افزایی و اشتغال پذیری دانشجویان نیز یکی از محورهای است که در دوره جدید مدنظر وزارت علوم قرار دارد



نقش آن بخش از کنشگران جامعه که درون نهاد دانشگاه کار و زندگی می کنند در انتخاب های دشوار و صحیح از اهمیت بالایی برخوردار است.

باید ارزش های اقتصادی، فرهنگی و علمی را تغییر و تحول بخشیده و موجب پویایی سیستم کار و شخصیتی شود و از سوی دیگر، با رخنه ارزش های سنتی مواجهه کند. لذا

دانشگاه یک نهاد تسهیل گر برای تغییر ارزش های هویتی به ارزش های خردورانه و سودمندانه است. در حالی که دچار چنین پدیده ناگواری شده و در این گیرودار از سویی عاقبت طلبی و منزلت جویی.

## مدرک گرایی چهره دانشگاه را آلوده کرده است

می شود. از طرفی اگر سیستم های اقتصادی، فرهنگی و نهادهای آموزشی را پیش رو قرار دهیم متوجه خواهیم شد که خود فرد، در اقتضای بازی های پیش رو به فرایند مدرک گرایی تسلیم می شود.

البته بازی به قدری دچار بی نقشی و تحیف شده که اگر سیستم ها و نهادها توجه نکنند لازم است کنشگر عادی به بی فایده گی این بازی توجه کند.

هر چند برای ما مقاومتی لازم است در برابر بازی های بی تناسب، بازی هایی که اصل بودن و مفید بودن را زیر سؤال می برد و چه بسا آن را به قهقرا ببرد. شاید بپنداریم که مسئول مستقیم این رویدادها نهادها و سیستم ها هستند، به زمینه ها موجب شکل گیری این فرایند می شوند، اما یک راه انتخاب هم برای ما به عنوان کنشگران عادی جامعه وجود دارد و آن پذیرش یا عدم پذیرش این گوی و میدان است.

تا اصلی ترین عنصر ارزشمند سیستم های کاری معمول گردد. از سوی دیگر زمینه اجتماعی ما شاهد ابعاد عاطفی شدیدی در زمینه ارزش های منزلتی است؛ ارزش هایی که برای افراد پیشوند و پسوند می تراشد و به جای اسم و شهرت، القاب و عناوینی را جایگزین می کند. این آسیب هم ناشی از نفوذ ارزش های ظاهرگرایی است که در قدیم در جامعه ارباب و رعیتی رواج داشته است.

از طرفی دانشگاه یک نهاد جامعه بنیان نیست، بلکه به صورت نخه گرا و دولتی در ایران تأسیس شده و ماهیت آن و ماهیت مدرک، با عناوین و القابی که به افراد می دهد، بسیار جادویی تصور شده است.

مثلاً جامعه ای که با ارزش کار کم و ارزش های منزلتی بالا به دانشگاه می رسد و افراد جامعه هم برای ارتقا و تخصص به آن مراجعه می کنند، در حالی که نقش های کار بیش از عنوان و سواد، به تعهد و فایده مندی نیازمند است که در جامعه ما نادیده گرفته

پدیده ای که امروز مدرک گرایی نام گرفته برای کشور چالش هایی را به دنبال داشته که ، نیازمند موشکافی عمیق است. به عبارتی مدرک گرایی باز کنشگران اجتماعی در میدانی است که آنها را در این بازی مشغول و در واقع سرگرم می کند. اتفاقی که ناشی از خلق این میدان صورت می گیرد، یک پدیده را نمود عینی از آسیب و اشتکالات اساسی در زمینه اجتماعی است.

در واقع در جامعه ما، ارزش های فرهنگی در حوزه کار و اشتغال دچار اختلال شده و ملاک های ارزشمندی، ذات کار و میزان فعالیت افراد نیست، بهره وری و سیستم ارتقا به جای اینکه کار فرد را مدنظر قرار داده باشد، بهانه های مختلفی پدید می آورد

یادداشت



محمد زیاei  
جامعه شناس